

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، پاییز ۱۴۰۰

تحلیل عوامل موثر بر تحول نظام نشانه‌ای و دوگانگی هویت در بافت شهری با رویکرد نشانه‌شناختی^۱

دریافت مقاله: ۹۹/۱/۲۵ پذیرش نهایی: ۹۹/۵/۱۷

صفحات: ۴۸۹-۵۱۰

آزاده آتش پنجه: دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Az.atash@yahoo.com

محمد نقی زاده: استادیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.^۲

Email: Dr_mnaghizadeh@yahoo.com

زهراسادات سعیده زرآبادی: دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: zarabadi.s@gmail.com

چکیده

در شهرسازی امروز فرایندهای تاویلی نظام‌های نشانه‌ای در شهر که هدف آنها نشان دادن معنای اجتماعی و فرهنگی محیط کالبدی است کمتر مورد توجه بوده و اغلب بافت‌های شهری بی‌توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های معنادار و هویت‌آفرین و ارزش‌های نهفته در بافتار اجتماعی و طبیعی بستر خود و الگوهای شهرسازی و معماری سنتی ایران شکل می‌گیرند و این مسئله واکاوی پیرامون این فرایندها را حائز اهمیت می‌سازد. هدف مقاله آن است تا در چارچوبی نوین، با تفسیر نظام نشانه‌ای، به بررسی نحوه تغییر عوامل موثر بر هویت شهر و مقایسه این نظام‌ها در بافت قدیم و جدید شهر بپردازد. پژوهش از نوع کیفی و روش پژوهش بصورت توصیفی تحلیلی بوده و از علم نشانه‌شناسی به عنوان ابزار و روشی جهت بررسی بازنمون‌ها و تحلیل هویت شهر بهره برده شده است. مطالعات در بافت قدیم بیشتر متکی بر اسناد بوده و در بافت جدید بصورت میدانی و بررسی بازنمون‌ها در نواحی گرم و خشک ایران صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که براساس بررسی بازنمون‌ها در نظام نشانه‌ای در لایه‌های متنی فرم شهر، دوگانگی و گسست معنا و هویت بافت قدیم و جدید یک شهر در طول زمان نشانگر چند عامل اصلی تغییر در درون لایه‌های متنی فرم شهر، گسست و دوگانگی در لایه انسانی، تغییر در نظام رمزگان‌های موثر بر ساختار فرم شهر است که بصورت حذف، جایگزینی و یا تغییر نشانه‌ها در لایه‌های طبیعی، اجتماعی و مصنوع نمود یافته است.

کلید واژگان: هویت شهر، نظام نشانه‌ای، نشانه‌شناسی لایه‌ای، سلسله مراتب نشاننداری، روابط دلالتی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «واکاوی نظام نشانه‌ای بافت‌های تاریخی در احراز هویت» می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران نگاشته شده است.

۲. نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه شهرسازی، ۰۹۱۲۶۰۸۱۲۹۴

مقدمه

نبود رابطه منطقی بین فرم شهر و عناصر سازنده هویت آن یک مسأله عام در شهرهای امروزی است. وقتی سخن از هویت شهر می رود وجوه اشتراک و تمایز شهرها باهم قابل تأمل است. شهرها همانند انسان‌ها دارای ویژگی‌های متنوع و متفاوتی از یکدیگر هستند که موجب بازشناسی و شخصیت‌یابی آن‌ها از یکدیگر است و هر شهر بر اساس شرایط طبیعی، فرهنگی و اجتماعی که داراست می‌تواند ویژگی‌های متمایز عمده یا بارزها و نشانه‌های خاصی داشته باشد که موجب شناخت آن گردد. صفات هویتی شهر بر صفات هویتی طبیعی، مصنوعی و انسانی شهر مستقر است (نصر، ۱۳۹۲: ۲۶۹). شهرها در واکنش به بسیاری از عوامل همیشه در حال تغییرند، یک شهر هرگز ایستا نبوده و همواره در حال تکامل است و می‌تواند در مسیر این تکامل هم از بین رفته و هم بخش‌هایی از آن جایگزین شود. این تغییرات در قالب تغییرات در نظام‌های نشانه‌ای خود را بروز می‌دهد. در گذشته شکل‌گیری نشانه‌های کالبدی در شهرها در پی پاسخگویی به نیازها و نیروهای مؤثر، شکل‌های متفاوت یا مشابهی به خود می‌گرفت که به هویت کالبدی، هویت مکان و در نتیجه هویت مکانی ساکنین منجر می‌گشت. اما با گذشت زمان و پیشرفت تکنولوژی، تفکرات مدرنیته، توسعه ارتباطات و اطلاعات و غیره، شیوه پاسخگویی و بازنمایی نشانه‌ها نیز دچار تحولاتی گشت. برخی عوامل مؤثر در شکل‌گیری نشانه‌ها مانند جهان-بینی، فرهنگ و اقتصاد و غیره دچار تحول شد و برخی از عوامل مؤثر بر شکل شهر مانند عوامل طبیعی اقلیمی نیز تا حدود زیادی نقش خود را در شکل‌گیری نشانه‌های کالبدی از دست داد. از سوی دیگر فضا، یا هر ساختار فضایی یک متن است. شهر نیز چنین فضایی است (الکساندر، ۱۳۸۶). هر شهر ساختاری است که نشانه‌های آن با ساکنانش و بازدیدکنندگان سخن می‌گوید و بر معانی ویژه‌ای دلالت می‌کند. بنابراین در فهم نشانه‌شناسی، از یک زبان برای هر ساختار استفاده می‌شود که به واسطه این زبان، بین کسانی که رمزگان یا کدهای آن زبان را پذیرفته‌اند، ارتباطی به شکل معنا حاصل می‌شود. بناهای معماری در مقیاس کوچک‌تر و شهر در مقیاس بزرگ‌تر همین نظم، نظام و ساختار را به نمایش می‌گذارند (نجومیان، ۱۳۸۷: ۱۱۲). براین اساس در این مقاله از روش‌های زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی که به تازگی در تحلیل مسائل کیفی شهرها بدلیل پیچیدگی و چند لایه بودن آن بکار گرفته و بسیار راهگشا بوده بهره برده شده است.

سوالات پژوهش

۱- دلایل شباهت، عدم تشخیص و درجه ضعیف هویت کالبدی در توسعه‌های جدید شهری و حتی بین شهرهای گوناگون با شرایط متفاوت چیست؟ ۲- آیا عوامل و نیروهای مؤثر مشابهی بر پیکره شهرها اثرگذار است یا نیروهای مؤثر در ایجاد نشانه‌های کالبدی حذف و جایگزین گشته‌اند. در پی پاسخ به این سوالات، فهم این موضوع که در بافت قدیم شهرها به مثابه یک متن متشکل از نظام‌های نشانه‌ای، با توجه به وجوه درونی نشانه و روابط نشانه‌ای، هویت اکتسابی ناشی از چه عواملی و در چه سطحی بوده و این نظام‌ها در طول زمان و در توسعه‌های جدید شهر دچار چه تحولاتی شده و بر هویت شهر چگونه تاثیر گذار بوده است می‌تواند راهگشا باشد.

در جهت پاسخ به سوالات پژوهش، ضمن تشریح مفاهیم تحلیل نشانه‌شناسی بر اساس مدلی مبتنی بر مبانی نظری و پارامترهای نشانه‌شناسی در مورد متن شهر در دو بازه زمانی گذشته و معاصر، مشخص خواهد کرد که

در بافت قدیم چگونه لایه‌های مختلف و سازنده متن شهر، ارتباطی معنادار داشته و بالعکس در وضعیت معاصر به دلیل برهم خوردن ارتباط لایه‌ها و سلسله مراتب درونی لایه‌های تشکیل دهنده فرم شهر چگونه یک گسست هویتی و معنایی در ساختار نشانه‌ای آن نمود یافته است.

مبانی نظری

مفهوم هویت در اثر یا پدیده شهر موضوعی چالش‌برانگیز است که اغلب نظریه‌پردازان برای تشریح آن از مفاهیم دیگری استفاده نموده‌اند. راپوپورت هویت را خصوصیتی از محیط که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تعریف می‌کند. در این تعریف وی بر دو نکته تأکید دارد: نخست این‌که، هر هویت محیطی، متضمن محتوا و درونی است که ذات و ماهیت خودش را مشخص می‌سازد و دیگر آن‌که، دارای مرزی است که آن را از بیرون و غیر خودش جدا می‌سازد (راپوپورت^۱، ۱۹۹۴). هر فضا و مکان، به عنوان یک منبع هویت است و به گروه‌هایی که در آن قرار می‌گیرند، هویت می‌بخشد (ربانی، ۱۳۸۱، ۳۷). یک شهر نیز به‌عنوان مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های ساخته‌شده توسط انسان، که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده دارای هویتی خاص است. هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می‌سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد (شیعه، ۱۳۷۶، ۴). مامفورد در تحلیلی ماندنی، نوسازی شهری عصر مدرن را به لحاظ فضایی، کالبدی و اجتماعی فاقد شخصیت دانسته و مسأله اصلی شهرسازی مدرن را مسأله هویت شهری تلقی نموده است. وی می‌گوید: «شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرم‌هایی که بتدریج پیچیدگی بیشتری می‌یافتند، شیرازه زندگی اجتماعی جوامع را بوجود می‌آوردند، ولی در شهرسازی معاصر، نظم خشک و مقیدی جای تنوع اجتماعی گذشته را گرفته است. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته‌اند، لیکن امروزه این شخصیت و موجودیت از میان رفته است و همه آنها به توده‌های مشابه یکنواختی بدل گشته‌اند». مامفورد معتقد است که عملکرد شهرهای امروزی، حمل و نقل سریع است و در نتیجه قاعده اندازه شهر بصورتی که یک انسان بتواند آن را پیاده طی کند از میان رفته است و در نتیجه اجزای شهر بدون انطباق با اهداف انسانی به حالت استاندارد درآمده و عناصر زیبایی شناسانه نیز در طرح آن نادیده گرفته شده‌اند" (مامفورد، ۱۹۶۱).^۲ کربیر نیز در مقایسه و تحلیل فضاهای شهری مدرن و سنتی، ضمن بی‌هویت خواندن شهرهای قرن بیستم، شهرسازی مدرن را حرکتی به سوی متحدالشکل شدن، ضعف اعتقادات مذهبی، آلودگی محیط و استانداردیزه شدن هنر می‌داند. در واقع وی استانداردهایی در تولید فضاهای شهری که منجر به هم‌شکلی و یکسانی فضاهای شهری شده است را عامل این بی‌هویتی معرفی می‌کند (ترانسیک، ۱۹۸۴). والتر بور هم از جمله کسانی است که شباهت بیش از حد شهرها به یکدیگر را تهدیدی جدی برای هویت فضاهای شهری می‌داند. در واقع از نظر وی مهمترین وجه اشتراک شهرهای سنتی و کهن، همان منحصر بفرد بودن آنهاست (مولوی، ۱۳۷۵).^۳ و المزلی در رویکردی دیگر، برنامه‌ریزی

1 Rapoport, 1994

2 Mumford, 1961

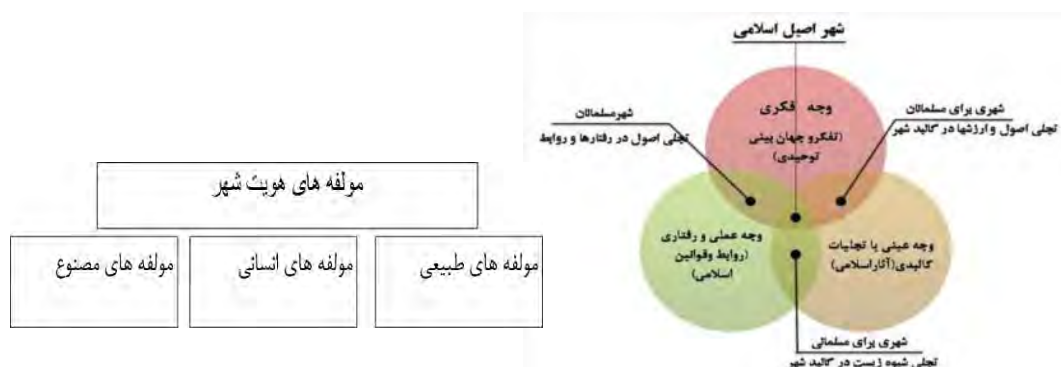
3 Trancik, 1984

شهری و طراحی محیطی در این دوره را که به‌زعم او روش‌های ساخت استاندارد و مشابهی دارند، باعث از بین بردن تنوع محلی و ایجاد مناظر یکدست می‌داند. وی اضافه می‌کند که شاهد این مساله شباهتی است که میان شهرهای مختلف دنیا مشاهده می‌شود. شباهتی که به‌طور عمده، تابعی از بکارگیری مصالح ساختمانی و تکنیک‌های جهانی ساخت و کنار گذاشتن مصالح بومی و سنتی است که در ذات و جوهر خود وابسته به محیط یا مکان‌اند. به عقیده او، شهرسازی و معماری مدرن، امکان درک نقش محیط در هویت فردی را از ساکنانش گرفته و بی‌مکانی را رشد و پرورش داده‌است (والمزلی، ۱۹۸۸).^۱

شاخصه‌های هویت شهر

به اعتقاد پژوهشگران می‌توان هویت یک شهر را وابسته به یک مقدمه (ماهیت) و یک مؤخره (وجود ذهنی) دانست. مقدمه هویت همان وجود عینی از قبیل کیفیت بصری و عملکردی و مؤخره هویت، معنی، ریشه و تداعی ذهنی محیط (خاطرات، حوادث و وقایع، نمادانگاری فرهنگی و بومی) است. برخی ابعاد هویت شهر هستند که تجلی نمی‌یابند و به‌صورت مفاهیم مختلف شهری (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و...) و یا بار معنایی کیفی مکان، نقش هویت‌دهی را ایفا می‌کنند (واعظی و علیمردانی، ۱۳۹۷: ۵۲). در واقع هویت شهرها بر هویت جامعه و کسانی که در آن‌ها زندگی می‌کنند تأثیر می‌گذارد و بالعکس محیط شهری منعکس‌کننده نیازهای افراد جامعه و ارزش‌های (جهان‌بینی و فرهنگ) آن‌هاست. عوامل عدیده‌ای در شکل‌گیری و ظهور (تقویت یا تضعیف) و تحول هویت شهر و آثار انسانی قابل شناسایی هستند؛ که برخی از آن‌ها به تناسب ویژگی‌ها و اهمیتشان برجسته‌تر می‌باشند. این عوامل در سه گروه اصلی «عوامل فکری» (با جهان‌بینی)، «عوامل رفتاری» (با فرهنگی) و «عوامل عینی» (با کالبدی) طبقه‌بندی شده‌اند شکل (۱) که هر کدام از آن‌ها ما به‌ازاء یکی از ادراکات یا ساحت‌های سه‌گانه حیات انسان هستند (نقی زاده، ۱۳۹۳). با توجه به ساحت حیات انسان‌ها از جمله ساحت مادی، روانی و چه روحانی می‌توان مراتب هویت آثار انسانی را در سه طبقه «هویت معنوی»، «هویت کیفی» و «هویت کمی» طبقه‌بندی کرد. عوامل هویت معنوی اصول و ارزش‌هایی هستند که برای محسوس شدن نیازمند کالبدی هستند تا در آن کالبد ظهور و بروز پیدا کند. این عوامل بر همه عوامل هویتی ظاهری و کمی مقدم هستند و ماهیتی معنوی و غیرکالبدی دارند از جمله وحدت، دین‌گرایی، جمع‌گرایی، تعادل و ... هویت معنوی در واقع به الهی بودن و متذکر بودن پدیده موردنظر به ارزش‌های الهی مربوط می‌شود.

1. Walmsley, 1988



شکل (۱). سمت راست عوامل موثر بر ظهور و تحول هویت شهر (برگرفته از: نقی زاده، ۱۳۹۳)، سمت چپ مؤلفه های سازنده هویت شهر (برگرفته از بهزادفر، ۱۳۹۰)

هویت کیفی شهر مابه ازای هویت شخصیتی انسان است که در آن متجلی شده است. منظور از شخصیت برای مکان وجه معنایی (و نه الزاماً معنوی) و فضایی آن است. هویت کمی، ظاهر شهر و هویت کیفی شخصیت و باطن آن است. احساس افتخار، رضایت، تعلق و غیره در ارتباط با شهر می توان جلوه ها یا نتایج هویت کیفی آن دانست. هویت کمی آن دسته از عواملی است که در ظاهر شهرها و توسط حواس فیزیولوژیک انسان قابل درک هستند در این درجه از هویت، پدیده به لحاظ ظاهری و کالبدی دارای تشابهات و تمایزات کالبدی است که موجب شناخته شدن و احراز هویت آن می گردد (نقی زاده ۱۳۹۳، ۱۲۹). برای شناخت هویت یک شهر می باید مؤلفه های سازنده شخصیت آن را شناخت. مؤلفه های شخصیت یک شهر، می تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از یکدیگر تفکیک گردند (شکل ۱). اجزای مؤلفه طبیعی از متغیرهایی چون کوه، دشت، رود، تپه ماهور و نظیر آن، اجزای مؤلفه مصنوع از متغیرهایی چون تک بناها، بلوک شهری، محله، راه، خیابان، میدان و اجزاء مؤلفه های انسانی از متغیرهایی چون زبان، دین، سواد، اعتقادات محلی، آداب و رسوم و نظیر آن برخوردار است (بهزادفر، ۱۳۹۰).

هویت شهر و مساله بحران هویت موضوعی است که در تحقیقات بسیار مورد توجه بوده و پژوهش های بسیاری با دیدگاه های متفاوت به آن پرداخته اند. برخی از این پژوهش ها دیدگاه کالبدی داشته و برخی به جنبه اجتماعی و معنایی آن پرداخته اند. با توجه به رویکرد این مقاله که کاربرد روش نشانه شناسی در ایجاد مدل تحلیلی و مقایسه مقوله هویت در بافت قدیم و جدید شهر می باشد می توان به برخی از این پژوهش ها که از این روش در تحلیل معنا و هویت استفاده نموده اند اشاره کرد. مقاله ای تحت عنوان "تحلیل نشانه شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری و کارکردهای آن (مطالعه موردی محله رستم آباد- فرمانیه)" نوشته احمد پاکتچی، از الگوی امولت^۱ از یاکوب فون اکسکول^۲ برای تحلیل این تعارض هویتی در یک محله شهری بهره برده و به این نتیجه دست یافته است که با وجود واگرایی دو فرهنگ رقیب مقیم در این محله و هویت دوگانه آن، وجود برخی انگیزش های همکاری که ریشه در سنت های کلان اجتماعی فراتر از محله دارند مانند

1 Umwelt

2 Jacob von Uexkull

انگیزش‌های دینی می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی دو فرهنگ و همکاری دو قطب در محله گردد. (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۴۶). مقاله‌ای تحت عنوان "تهران: گسست و پیوست معنا"، با بررسی و تحلیل معماری و شهرسازی سنتی و مدرن تهران بر پایه مربع معنایی، به این موضوع می‌پردازد که چیزی مدرن است که ریشه در سنت خود دارد. عناصر مثبت آن را محفوظ می‌دارد و عناصر منفی را نفی می‌کند. این مقاله شهر را به سه گروه پدیده مکانی تقسیم می‌نماید و به این نتیجه می‌رسد که در دو گروه مکان‌ها و معماری که در پیوستگی با معماری سنتی است مانند مسجد و بازار و غیره و مکان‌ها با معماری ترکیبی، مانند برج آزادی یا بلوار کشاورز، شهروندان می‌توانند منطقی با آن‌ها ارتباط برقرار سازند و نسبت به آن‌ها تعلق خاطر داشته و احساس هویت کنند. برعکس در گروه مکان‌ها و ابنیه‌ای که در گسستگی با معماری سنتی هستند مانند برج‌ها و بافت‌های نوساز علت گسست را در جداسدن معمار از پیوستگی و تداوم فرهنگی مردم و ارائه اثری که تجلی تفکر و شرایط اقلیمی مرز و بوم نیست دانسته و این آثار را تهی از معنا و هویت و تنها به ظاهر زیبا می‌داند. در نتیجه استفاده از نظام رمزگانی آشنا برای گفته‌خوان یا شهروند تهرانی را تنها راه برقراری ارتباط و هویت آفرینی می‌داند. در مقاله "بررسی فرم شهر از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای (نمونه موردی محله باغ شاطر تهران)"، نتایج نشان می‌دهد چگونه ارتباط نامناسب عوامل و مصنوع در ساخت وسازهای معاصر و دگرگونی و حمایت نکردن لایه عوامل انسانی در بافت زدایی از فرم شهر معاصر تاثیر گذاشته و بر کارکردهای اجتماعی، عملکردی و هویتی شهر تاثیر گذاشته است. (محمدی، ۱۳۹۱) مقاله "تاملی در تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تاثیر آن بر هویت شهر نوشته نصیری نیا و همکاران، با هدف شناخت تغییرات پدیدآمده در هویت ساختاری شهر به سبب مداخلات معاصر، به تحلیل جایگاه سه عرصه تاریخی شهر و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های جهانی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که این تحولات عرصه‌های تاریخی شهر را مخدوش ساخته و سبب جدایی بیشتر آن از جریان زندگی شهر شده است و میبایست با تقویت عرصه‌های تاریخی موجبات پویایی آن‌ها در حیات شهر مهیا شود. (نصیری نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

روش تحقیق

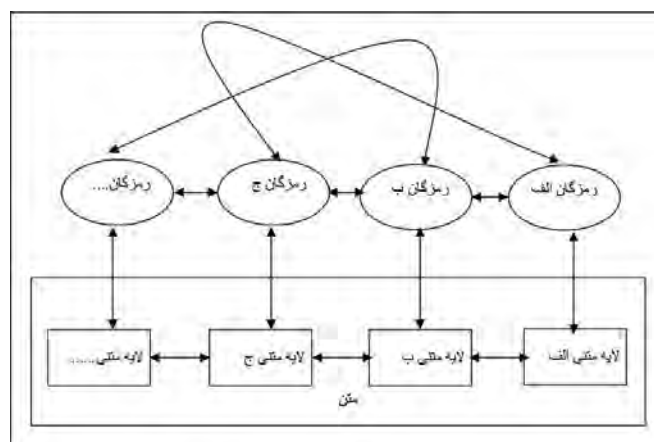
روش پژوهش در مقاله حاضر با توجه به هدف از نوع کیفی و با توجه به روند اجرا از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد که در روند تحلیل از روش مقایسه‌ای نیز کمک گرفته شده است. از آنجا که مفهوم فرم شهر در زمینه و یا بافت معنا و مفهوم می‌یابد، نمی‌توان آن را در قالب یک الگوی تک نشانه‌ای بررسی کرد. بنابراین با توجه به پیچیدگی و چند بعدی بودن شهر به عنوان یک پدیده انسان ساخت و همچنین مسئله هویت شهر و گستره وسیع این مفهوم، نشانه‌شناسی لایه‌ای به عنوان یکی از مصادیق رویکرد پیدایشی در نشانه‌شناسی به عنوان ابزار تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. قابل ذکر است که، بافت قدیم در دوره تاریخی که از کارایی برخوردار بوده است مدنظر این پژوهش می‌باشد و به همین دلیل شناسایی نظام نشانه‌ای در بافت قدیم بیشتر متکی بر مطالعات بوده و با توجه به تجلی ارزش‌ها، به دنبال بازنمون خواهیم بود. حال آنکه در بافت جدید بیشتر سعی بر شناسایی میدانی بازنمون‌ها بوده و سپس تفسیر صورت خواهد گرفت. پس از این مرحله، به خوانش بازنمون نظام نشانه‌ای و تفسیر نشانه‌ها پرداخته و با استفاده از مبانی نشانه‌شناسی لایه‌ای به تحلیل نوع روابط و درجه نشاننداری بافت قدیم و جدید و نهایتاً درجه هویت اکتسابی آن‌ها خواهیم پرداخت. در نمودار مدل عملیاتی به

عنوان بخش رویه‌ای روش تحقیق به این مراحل مفصلاً اشاره شده است (شکل ۳). در ادامه نیز رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای به عنوان بخش محتوایی روش تحقیق مختصراً تشریح می‌گردد.

نشانه‌شناسی لایه‌ای

نشانه‌شناسی اشیاء یا اعمالی را که درون یک فرهنگ معنی دارند، نشانه تلقی می‌کند و از این طریق می‌کوشد قوانین و قراردادهایی را که آگاهانه یا ناخودآگاه توسط اعضای آن فرهنگ درونی شده‌اند و معنای پدیده‌ها را ممکن می‌کند، تشخیص دهد (کالر، ۱۳۹: ۷۶). نشانه‌شناسی لایه‌ای رویکردی است که زمینه‌ی تحلیل گسترده‌ی متن‌ها در بستر رابطه‌ی تعاملی و چند سویه‌ی بین نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی، که شبکه‌ای پیچیده از روابط دلالتی است را فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد امکان استفاده از آن در متن‌های چند رسانه‌ای است. در این رویکرد، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید و متن نه حاصل هم‌نشینی بین رمزگان‌ها (اکو ۱۹۷۹: ۵۷، به نقل از سجودی ۱۳۹۳: ۲۰۳) بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌هایی است که هر یک براساس انتخاب از آن رمزگان‌ها در کنش ارتباطی تحقق عینی یافته‌اند. همانطور که در شکل (۲) نیز مشاهده می‌شود، رمزگان‌های متفاوتی که در هر کنش متنی دخالت دارند، خود بر یک دیگر تأثیر می‌گذارند و این تأثیرات دوسویه و در نگاهی کلی چند سویه است.

نشانه و رمزگان: تعاریف و دسته‌بندی‌های متفاوتی در زمینه مفهوم نشانه از سوی اندیشمندان داخلی و خارجی ارائه شده است. از جمله نشانه‌های تکوینی و اعتباری (نقره کار ۱۳۹۳: ۵۲)، نشانه‌های قراردادی، مفهومی، ازلی، فطری (نقی زاده) تعریف دو وجهی سوسور و یا الگوی سه وجهی پیرس و... که در این تحقیق از الگوی پیرس بعنوان وجوه تشکیل دهنده نشانه استفاده شده است. در این دیدگاه نشانه در شکل بازنمون چیزی است که از دید کسی، از جهتی یا ظرفیتی به جای چیز دیگری می‌نشیند (پیرس، ۱۹۳۱، به نقل از سجودی، ۱۳۹۳: ۲۱). پیرس (۱۹۳۱) الگوی سه وجهی نشانه را که شامل بازنمون، تفسیر و موضوع است مطرح کرد. بازنمون نمود صورتی که نشانه به خود می‌گیرد و الزاماً مادی نیست. تفسیر: معنایی که از نشانه حاصل می‌شود. موضوع: که نشانه به آن ارجاع می‌دهد. تعامل بین بازنمون، موضوع و تفسیر را "پیرس" نشانگی، که شاید بتوان آن را کلیت فرآیند معنی‌سازی نامید، نامیده است (چندلر، ۱۳۹۴: ۶۱). رمزگان‌ها عبارتند از قالب‌های تفسیری که از سوی تولیدکنندگان آن‌ها و مفسرین متن به کار می‌روند (ضیمران، ۱۳۹۳: ۱۳۵). رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شود (ماجدی، سعیده زراآبادی، ۱۳۸۹: ۵۱).



شکل (۲). لایه های متن در نشانه شناسی لایه ای. (منبع: سجودی ۱۳۹۳، ۱۹۹)

ساختار و نشاننداری سلسله مراتبی: متن شبکه‌ای باز است که از لایه‌های مختلف که خود نمود رمزگان‌های متفاوت هستند، شکل گرفته است. نکته حائز اهمیت آن است که لایه‌های متنی در متن، خود دارای سازمان دورنی و بیرونی هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

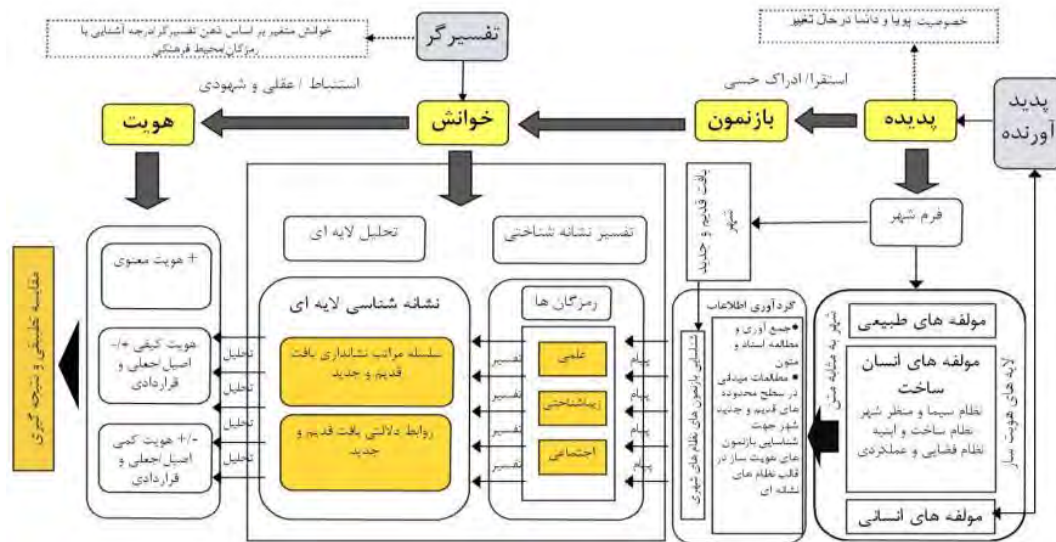
بافت‌سازی و بافت‌زدایی: اگر نشانه‌ها و یا لایه‌های متنی در جهت انتظاری که توسط دانش پیشین و طرحواره‌های ذهنی ما تایید می‌شود بر روی محور همنشینی انتخاب شوند، با فرایند بافت‌سازی مواجهیم و اگر انتظارات پیشین ما را برهم زنند در این صورت ظاهراً در رابطه بافت‌زدا نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲).

نتایج

باتوجه به مبانی و چارچوب نظری مطرح شده ابتدا فرم شهر به‌عنوان پدیده ای متشکل از مؤلفه‌های طبیعی، انسان ساخت و انسانی به مثابه یک متن مورد بررسی قرار گرفته و بازنمون‌های هویتی در لایه انسان ساخت در قالب سه نظام سیما و منظر، ساخت و ابنیه و فضا و عملکرد در دو بافت جدید و قدیم شهر از طریق مطالعات اکتشافی و یا میدانی شناسایی می‌گردد. سپس تحلیل در بخش‌های موضوع و تفسیر ساختار نشانه ای و عوامل موثر بر آن، تغییرات نظام نشانه‌ای، سلسله مراتب نشاننداری، روابط دلالتی و نهایتاً نقش روابط دلالتی و سلسله‌مراتب لایه‌های متنی در هویت شهر در بافت قدیم و جدید شهر صورت می‌گیرد.

بررسی بازنمون‌ها در بافت قدیم و جدید شهر

بررسی بازنمون‌ها در لایه بازنمونی انسان ساخت و طبیعی در قالب رمزگان‌های زیباشناختی و منطقی صورت گرفته است و بدلیل تعدد و تنوع بازنمون‌ها در لایه انسانی و رمزگان‌های اجتماعی و ورود به گستره علوم اجتماعی، به آن‌ها در این مقاله پرداخته نمی‌شود. لایه انسان‌ساخت در دو نظام سیما و منظرشهری و عملکردی فضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد (جداول ۱ و ۲) و شکل (۳).



شکل (۳). مدل عملیاتی و جنبه رویه‌ای روش تحقیق

تحلیل و مقایسه موضوع و تفسیر ساختار نشانه ای و عوامل موثر بر آن

در بافت قدیم شهر با توجه به موضوع ساختار نشانه ای، ارزش‌هایی چون وحدت، دوری از تجمل‌گرایی و خودنمایی، تعادل، تذکر، روحیه برادری، آسایش و آرامش روانی و غیره که در جدول به آن‌ها اشاره شده است منجر به ظهور نشانه‌ها در لایه‌های سیما و منظر و لایه عملکردی فضایی گشته است. این مسائل ناشی از عوامل موثر ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و عوامل اقلیمی بوده است. با توجه به موضوع ساختار نشانه‌ای در بافت جدید، مسائلی چون مادگرایی و سودجویی، ظاهرگرایی و جلوه‌گری، فردگرایی به جای وحدت و جمع‌گرایی و از خودبیگانگی و تقلید منجر به ظهور اکثر نشانه‌ها در سیما و منظر شهر و مسائل عملکردگرایی، برون‌گرایی، تعدی به حقوق دیگران و کمرنگ شدن تعاملات اجتماعی در سطح فضاهای شهری منجر به ظهور اکثر نشانه‌ها در ساختار فضایی و عملکردی شهر گشته است. این مسائل ناشی از عواملی همچون طرح‌های توسعه شهری برپایه دیدگاه غربی، تغییر در سبک و شیوه زیست، تغییر در نوع و ترتیب ارزش‌ها و اهمیت ارزش‌های اقتصادی، سیستم برنامه‌ریزی و مقررات، تکنولوژی و رشد فناوری و تغییر در سیستم ارتباطات بوده که بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری نظام نشانه‌ای توسعه‌های جدید شهری داشته است. شکل (۴).



شکل (۴). تفاوت بازنمون جهان‌بینی و ارزش‌ها در بافت قدیم و توسعه‌های جدید شهر

تحلیل تغییرات نظام نشانه‌ای

در بافت جدید شهر تغییر در نظام نشانه‌ای به صورت حذف و جایگزینی نشانه‌ها، تغییر در نقش نشانه‌ای، تغییر شکل نشانه‌ها و ظهور نشانه‌های کاذب و تقلیدی نمود یافته است. هر یک از این تغییرات حاکی از یک مساله می‌باشد. نخست ظهور رمزگان‌های جدید و بیگانه با نظام ارزشی و فرهنگی مردم شهر مانند جهانی شدن، مدرنیزاسیون، استانداردگرایی و... که به حذف تفاوت‌های معنادار منجر می‌شوند. این امر موجب گشته نشانه‌های جدیدی ناشی از تأثیر این رمزگان‌ها در لایه انسانی فرم شهر نمود یابد که جامعه به وسیله این نشانه‌ها سعی در تبدیل و شبیه شدن به جوامع مدرن و پیشرفته و زادگاه این تفکرات دارد که حاصل آن کسب هویتی تقلیدی و جعلی برای شهرهاست. از طرفی نیز این تفکرات با از میان برداشتن برخی تفاوت‌ها موجب گشته اند برخی نشانه‌ها رو به اضمحلال رود. عامل دیگری که در تولید نشانه‌های جدید و جانمایی برخی نشانه‌ها مؤثر بوده است ورود تکنولوژی و فناوری به دایره رمزگان‌های مؤثر بر بافت شهر می‌باشد که نقش بسیار چشمگیری در تحول نظام‌های نشانه‌ای و هویت شهر داشته است. در گذشته دامنه گسترده‌ای از نشانه‌های هویت آفرین در جهت پاسخگویی به نیازها و بخصوص پاسخ به شرایط محیطی برای ایجاد آسایش اقلیمی شکل می‌گرفت اما با ورود تکنولوژی و فناوری این نشانه‌ها جانشین و یا دگرگون شدند. تغییر در نظام ارزشی و سطح مؤثر در شکل‌گیری نشانه‌ها در سلسله‌مراتب لایه انسانی فرم شهر نیز موجب تغییر در نظام نشانه‌ای به صورت تغییر نقش نشانه‌ای گشته است (تصویر ۲). عامل دیگر در تغییر نظام نشانه‌ای تأثیرگذار بر هویت بافت جدید، دوگانگی در عامل مؤثر انسانی در شکل‌گیری نشانه‌هاست. جدایی لایه برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده و فاصله فکری و فرهنگی با جامعه استفاده‌کننده موجب شکل‌گیری نشانه‌هایی در شهرها شده که معرف خصوصیات و شرایط اجتماعی اهالی شهرها نمی‌باشند و تحت تأثیر تفکرات و رمزگان‌هایی هستند که در قسمت نخست به آن اشاره شد و ناشی از الگوهای بیگانه و غربی است که بر طرح‌ها تأثیر گذاشته و تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی و محیطی را نادیده می‌گیرد.



شکل (۵). تغییر نقش نشانه‌ای در بافت قدیم و جدید شهر

تحلیل سلسله مراتب نشاننداری بافت قدیم و جدید

با توجه به مقوله نشاننداری در سلسله‌مراتب متن شهر، در یک دسته‌بندی کلی، تمام جنبه‌های عوامل انسانی را می‌توان در قالب یک طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی قرار داد که این ساختار مشتمل بر ارزش‌های سطح‌های تراز بالا، تراز میانه و سطوح تراز پایین است. با عنایت به این مسأله که در این لایه انسان و خصوصیات وی در ایجاد سلسله مراتب سطوح متفاوت تأثیرگذار است می‌توان گفت این سطوح متأثر از ساحات وجودی انسان و مراتب پاسخگویی به این ساحات هستند سطوح بالاتر در سلسله مراتب به ساحات روحانی وجود انسان سطوح میانی به ساحات نیازهای روانی و سطوح پایین به نیازهای مادی و فیزیولوژیک اشاره دارد. در سطوح بالا جنبه‌های ارزشی و کارکردی در ارتباط با جهان‌بینی و ارزش‌ها، تفکرات و نظام‌های فلسفی، الگوهای فرهنگی، تقدس و معنویت و غیره قرار داشته. سطح متوسط مشتمل بر عواملی چون موفقیت، ثروت، قدرت، سیاست، اصالت و تبار و غیره و سطوح پایین شامل مفاهیم ابزاری چون خصوصیات اجتماعی، حریم شخصی، دسترسی، ترتیب محل‌ها، درجات نفوذ و راهیابی، جابجایی و غیره بوده است. جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی در سطوح بالا شامل ارزش‌های فرهنگی، شیوه زیست، اصول اخلاقی، سطوح میانی شامل خرده فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، آیین‌ها و مراسم، زندگی جمعی و... و سطوح پایین شامل تفاوت‌های شخصی سلیقه، رقابت، رفاه، نام و غیره می‌گردد. تأثیر هر یک از این سطوح در لایه مصنوع فرم شهر (که در راستای پاسخگویی به نیازهای انسان شکل می‌گیرد) منجر به ایجاد نظامی از نشانه‌های مرتبط می‌گردد که موجب می‌شوند شهر یا بافت شهری در یک عامل و موضوع خاص نشاندار گردد. در درجات پایین‌تر سلسله مراتب نشاننداری به دلیل تمرکز بیشتر بر کارایی و کم‌رنگ شدن مفاهیم ارزشی و فرهنگی و همچنین رمزگان‌های غیرفضایی در بازنمون نشانه‌های حاصل از رابطه کالبد فرم شهر، معنای استنباطی بیشتر به صورت صریح بوده و به عبارتی دلالت معنا تصریحی است و هر چه این نشاننداری به سطوح بالاتر در سلسله مراتب لایه انسانی حرکت می‌کند، فرآیند رمزپردازی و نشان-

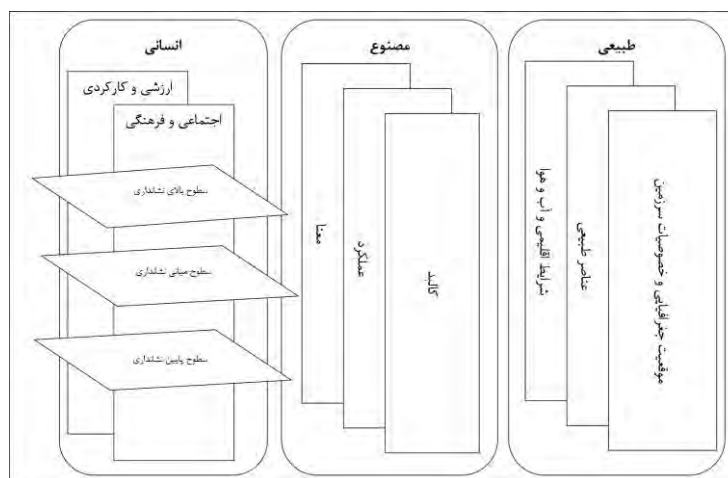
گرایی (نمادگرایی) پررنگ تر شده و به صورت تلویحی صورت و معنا به هم متصل می‌گردند که برای رمزگشایی نشانه‌های حاصل از آن باید به رمزگان آشنایی بیشتری داشت.

تأثیر لایه انسانی بر لایه انسان ساخت

براساس سلسله مراتب ارزشی و مفهومی لایه انسانی ممکن است تأثیر جهانی‌بینی و یا مذهبی خاص را بصورت بازنمونی در کالبد یک بنا مشاهده کنیم. مثلاً بازنمون ارزش وحدت و یا سادگی در کالبد و سیمای بافت و قدیم شهر و یا تأثیر دین در قالب جهت‌گیری خاص ابنیه نسبت به قبله در محله‌ها با ادیان مختلف. ممکن است این مقولات در ایجاد یک عملکرد و کاربری بازنمون یابد مانند تکایا و یا سقاخانه‌ها و ممکن است در معنا نمود یابد مانند فرم نمادین برخی آثار هنری یا کاربرد یک عدد مقدس در هندسه بنا و ... و یا در هر سه مقوله تأثیرگذار بوده و نمود می‌یابد.

تأثیر لایه طبیعی بر لایه انسان ساخت

علاوه بر لایه انسانی، لایه طبیعی نیز در متن فرم شهر دارای مراتبی است اما به دلیل ماهیت منطقی و فضایی آن، نمی‌توان مانند لایه انسانی به لحاظ ارزشی بین عوامل آن رابطه سلسله مراتبی برقرار نمود. شکل (۶).



شکل (۶). لایه‌ها و سلسله‌مراتب متن شهر

با توجه به بازنمون‌ها در بافت قدیم، در گذشته معنویت و اصول و ارزش‌های اعتقادی و دینی مهمترین نقش را در شکل‌گیری بافت شهرها داشت و انسان‌ها همواره خود را در مقام عبودیت و در سایه و محضر خداوند متعال می‌پنداشتند و این امر در سیطره عناصر معنوی در سیما و ساختار شهر به چشم می‌خورد. اما در بافت جدید شهرها شاهد سیطره کالبدی و ذهنی عناصر مادی با ماهیت اقتصادی مانند بانک‌ها و برج‌های تجاری هستیم که موجب تغییر شکل نشانه‌ای و دگرگونی هویت ناشی از نظام نشانه‌ای گشته است. بافت قدیم به لحاظ ارزش‌های اسلامی در سطح بالایی از نشان‌داری قرار داشت حال آنکه بافت جدید به لحاظ اقتصادی و ثروت در سطح بالایی از نشان‌داری قرار گرفته است.



شکل (۷). عدم حمایتگری لایه مصنوع فرم شهر از لایه انسانی در توسعه‌های جدید در مقابل همراهی و بافت سازی دو لایه در بافت قدیم

در بافت قدیم نشاننداری فرهنگی اجتماعی در فرم ساخت و سازها به صورت تبلور و توجه به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، توجه به فرهنگ بومی و خرده فرهنگ‌ها، تناسب کالبد با آداب و رسوم و مراسم و غیره در بالاترین سطح قرار داشته است. شکل (۷)، اما در بافت جدید شهر هدف عمده ساخت و سازها ارزش‌های اقتصادی و کسب سود و منفعت شخصی و کسب قدرت است. علاوه بر آن این ساخت و سازها بر پایه سلايق فردی و شخصی و نه بر پایه هماهنگی با جمع ظهور یافته و هر یک در رقابت با سایر ابنیه سعی در تجلی و بروز بیشتر خود دارد.

جدول (۳). مقایسه نشاننداری بافت قدیم و توسعه‌های جدید شهر

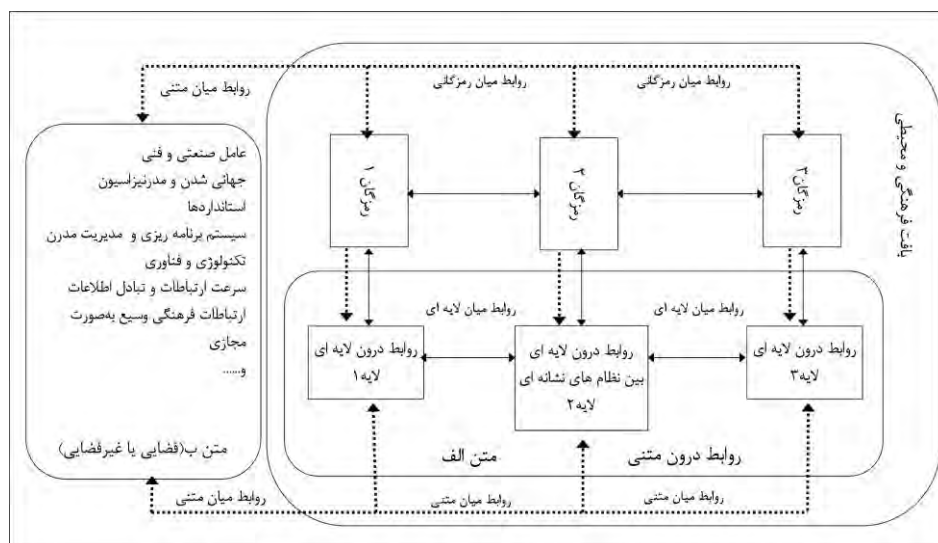
لایه لایحه	اجتماعی فرهنگی	ارزش تاریکوردی	طبیعی
نشاننداری بافت قدیم	بالا و میانی (ارزش های فرهنگی، خرده فرهنگ ها، نیازها و تاملات اجتماعی ...)	بالا (جهان بینی و ارزش های اعتقادی و مذهبی، مفاهیم فلسفی و نمادین)	بالا (نشاننداری اقلیمی، نقش عملکردی و نمادین عناصر طبیعی)
نشاننداری بافت جدید	پایین (سلیقه فردی، تفاوت براساس نامگذاری، فرهنگ بیکانه، مصرف گرایی و نیازهای فردی)	میانی و پایین (عملکرد، اقتصاد و مدیریت، دسترسی، استانداردها و ...)	میانی و پایین (نقش زیباسازی عناصر طبیعی، تقابل های دوگانه، عدم توجه به شرایط محیطی)

عدم توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و تنوع فرهنگی و فرهنگ بومی موجب گشته که بافت جدید شهر به لحاظ فرهنگی و اجتماعی در پایین‌ترین سطح نشاننداری به لحاظ مفهومی قرار گیرد و صرفاً پاسخگوی عملکرد و نیازهای فیزیکی و در بهترین حالت روانی ساکنین این بافت باشد. لازم به ذکر است که این سطوح در سلسله مراتب لایه‌ها، بر یکدیگر نیز تاثیرگذار هستند. برخی اتفاقات و وقایع مانند گفتمان دفاع مقدس و بالطبع رمزگان‌های آن که در هویت شهرها و فضاهای شهری چند دهه اخیر نقش پررنگی بخصوص در لایه

سیما و منظر شهری داشته نیز در شکل‌گیری رمزگان‌های جدید و منبعث از فرهنگ و بافتار خودی موثر بوده است. جدول (۳).

تحلیل روابط دلالتی بافت قدیم و جدید

روابط دلالتی در متن شهر از دو جنبه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. نخست بافت سازی و بافت زدایی در روابط و دیگری نوع رابطه بصورت رابطه درون متنی: بین لایه های متن شهر یا بین عناصر یک لایه متنی و روابط میان متنی و روابط میان رمزگانی، شکل (۸). در فرم شهر رابطه بین لایه های اصلی شکل دهنده متن شهر که براساس رابطه پیوستگی و بر مبنای اصل همنشینی متن شهر را خلق می‌کند، یک بافت را بوجود می‌آورند. اما این رابطه با توجه به نحوه ی حمایتگری لایه های متنی از یکدیگر می‌تواند دریافت را تسهیل و یا آن را با تعلیق همراه سازد. زمانی یک رابطه در متن شهر بافت ساز تلقی می‌گردد که لایه های متن در تقابل نبوده و همسو و در راستای حمایتگری از یکدیگر عمل کنند. این رابطه ممکن است میان رمزگان ها و نظام‌های نشانه‌ای یک لایه نیز برقرار باشد. اگر این رابطه به تقابل بدل گردد به اصطلاح بافت‌زدایی صورت گرفته است. این روابط در متن شهر دو سویه عمل می‌کند. اما گاهی تغییرات در رمزگان‌ها و عوامل یک لایه موجب تغییر در ارتباط خود با دیگر لایه‌ها و یا ارتباط بین دیگر لایه‌ها می‌گردد. عوامل انسانی در متن شهر اصلی‌ترین لایه تاثیرگذار محسوب می‌گردد. تغییر در ارزش‌ها، شیوه زیست و ... می‌تواند در شدت یا حتی یک طرفه شدن روابط و همچنین نوع آن موثر باشد. از دیگر روابط دلالتی، روابط بین رمزگان‌هاست. روابط بین رمزگان‌ها ممکن است درون متنی نباشد بدین معنا که رمزگان‌های فضایی و غیرفضایی که برآمده از دانش شناختی یا متن فرهنگی و محیطی یک شهر نیستند بر متن شهر تاثیر بگذارند. تاثیر فضایی این ارتباط را می‌توان در تقلید و کپی برداری از یک اثر یا سبک و... مشاهده نمود. تاثیر غیرفضایی می‌تواند به صورت تاثیر یک تفکر و ایدئولوژی از فرهنگی دیگر بر رمزگان‌ها و ارزش‌های ملی مشاهده گردد.



شکل (۸). روابط دلالتی در متن شهر

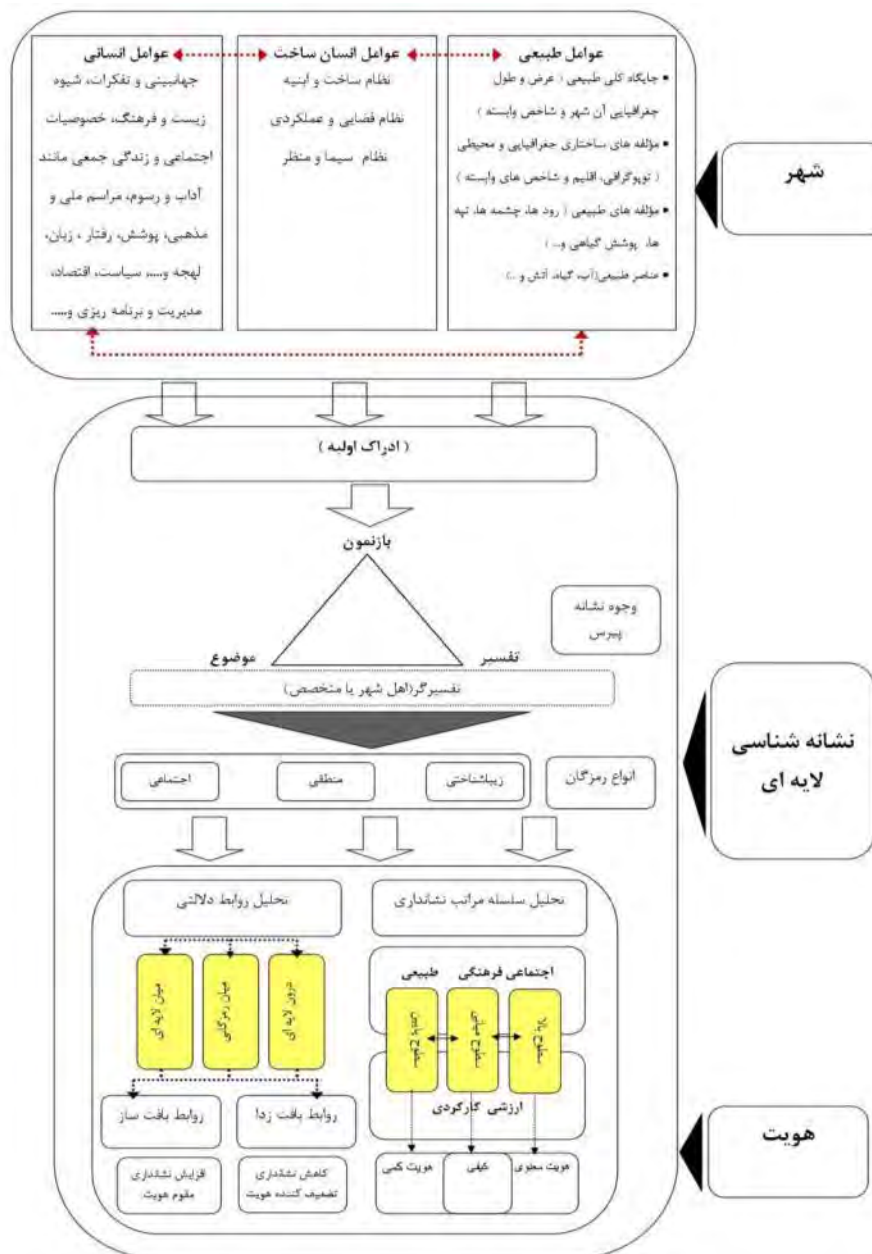
با توجه به تفسیر بازنمون‌ها که در بخش قبل ارائه شد، بیشترین نوع رابطه در بافت قدیم بافت ساز و از نوع درون متنی است. این مساله موجب می‌گردد رابطه لایه‌ها رابطه‌ای هم‌افزا و سازنده به شمار رود. اما در بافت جدید روابط بیشتر به صورت تقابلی بوده و موجب بافت زدایی در متن شهر می‌گردد و بیشترین نسبت روابط، میان متنی و تحت تأثیر ورود رمزگان‌های جدید است. جدول (۴).

جدول (۴). مقایسه روابط دلالتی در بافت قدیم و جدید شهر

رابطه دلالتی بافت	بیشترین نوع رابطه	بیشترین نسبت رابطه	کیفیت رابطه
بافت قدیم	بافت ساز	درون متنی (میان و درون لایه ای)	رابطه سازنده
بافت جدید	بافت زدا	میان متنی (رمزگان‌های جدید)	رابطه تقابلی

تحلیل نقش روابط دلالتی و سلسله‌مراتب لایه‌های متنی در هویت شهر

هر یک از لایه‌های متنی دارای سلسله‌مراتب مختص خود می‌باشد که قابل ارزش‌گذاری و یا فاقد آن می‌باشند. هرچه نظام‌های نشانه‌ای تحت تأثیر لایه‌های تراز بالاتر به لحاظ رمزگان‌های ارزشی و اجتماعی به وجود آمده و این تأثیر در کالبد، عملکرد و معنای آن جلوه‌گر شده باشد هویت اکتسابی حاصل از آن در درجه بالاتری قرار خواهد داشت و به هویت معنوی و کیفی مطلوب جامعه نزدیک‌تر خواهد بود. بدین معنا که یک پدیده و بازنمون در شهر حاصل اثرگذاری لایه‌های ارزشی در کالبد، عملکرد و معنای آن باشد. حال ممکن است برخی از نشانه‌ها براساس ایدئولوژی و جهان‌بینی خاصی رمزگذاری شده و در جامعه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، اما موجب احراز هویت اصیل برای آن جامعه نگردد. علیرغم اینکه براساس درجات بالای سلسله‌مراتب ارزشی و کارکردی لایه انسانی شکل گرفته است. بنابراین، این نشانه موجب ایجاد هویت جعلی و تقلیدی می‌گردد زیرا توسط جامعه استفاده‌کننده و براساس مبانی و تفکرات آن شکل نگرفته و حتی می‌تواند در انحطاط هویتی نقش داشته باشد. در چنین مواردی به دلیل عدم آشنایی جامعه مخاطب با رمزگان مؤثر بر شکل‌گیری پدیده، تنها معنای صریح این نشانه‌ها درک شده و افراد قادر به درک دلالت تلویحی و ضمنی آن نیستند علاوه بر آن مهم‌تر از ساختار درونی نشانه، روابط میان نشانه‌هاست که در نقش‌پذیری آن‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کند. در روابط میان متنی اگر رمزگان توسط لایه‌ی انسانی با لایه‌های متن شهر همسو یا به عبارت دیگر "بومی" گردد موجب روابط بافت ساز و هویت‌مند خواهد شد و اگر لایه‌ی انسانی صرفاً به عنوان عامل انتقال عمل نماید این رابطه بافت‌زدا بوده و منجر به هویت تقلیدی و جعلی می‌گردد. بنابراین تأثیرگذاری رمزگان‌های بیرونی می‌تواند مقوم یا تضعیف‌کننده هویت شهر باشد. مدل تحلیلی هویت شهر بر اساس سلسله‌مراتب و روابط نشاننداری در شکل ۶ ارائه شده است.



شکل (۹). مدل تحلیلی هویت شهر بر اساس سلسله مراتب و روابط نشاننداری

علاوه بر لایه انسانی، لایه طبیعی نیز به شکل‌های مختلف در نشاننداری فرم شهر موثر است. شکل (۹). تأثیر مستقیم در هویت شهر با حضور برخی عناصر طبیعی در متن شهر مانند یک رودخانه (اصفهان، زاینده رود) یا یک کوه (تهران، دماوند) که به عنوان نماد هویتی آن شهر ایفای نقش می‌کند و یا خصوصیات اقلیمی که موجب می‌گردد در شهر در زمره یک گروه خاص شناخته شود مانند شهر کویری. حضور عناصر طبیعی مانند آب و

گیاهان خاص در فضاها و معماری ابنیه که علاوه بر عملکرد طبیعی، معانی ارزشی و نمادین دارد. بنابراین یک عامل طبیعی می‌تواند با عبور از لایه انسانی به نشانه‌ای در لایه کالبدی و مصنوع تبدیل گردد زیرا انسان موجودی خلاق است و دارای ابعاد وجودی و ذهنی گسترده می‌باشد و می‌تواند به رمزپردازی و نمادگرایی بپردازد در حالی که عکس این قضیه امکان‌پذیر نیست. در عین حال لایه انسانی می‌تواند با ایجاد رابطه معنادار و همسو بین یک مصنوع که ساخته دست خویش است محیط طبیعی را نشاندار سازد. برای مثال مسیرهای قناتی که از پای کوه تا روستاها و شهرها حرکت نموده و مظهر این قنات در کویر. همچنین جنگل و دامنه کوه‌ها مثلاً در ماسوله و یا ابیان به واسطه فرم خاص روستاها از سایر جنگل‌ها و کوهپایه‌ها متمایز و نشاندار گردیده است. اما برخی عوامل طبیعی به واسطه کالبد و خصوصیات کالبدی که توسط انسان جهت پاسخگویی به نیازها و تنظیم شرایط محیط ایجاد گشته به شکل‌گیری نشانه‌های هویتی منجر می‌گردد. برای مثال فرم بام (گنبدی، شیروانی و غیره) یا بادگیر و یا ساباط هر یک نشانه‌ای است که علی‌رغم معنای صریح شکلی و عملکردی خود به اقلیم و یا شهر خود اشاره می‌کنند. همچنین می‌توان به توپوگرافی و شکل زمین، پوشش گیاهی و ... به عنوان عوامل تأثیرگذار بر نشاننداری طبیعی فرم شهر اشاره نمود. به طور کلی می‌توان گفت هویت ناشی از نشاننداری است و انواع و درجات هویت به مراتب و موضوعات مؤثر در سلسله‌مراتب لایه‌های انسانی و طبیعی و نحوه تأثیر آن بر کالبد، عملکرد و معنای فرم شهر در لایه مصنوع بستگی دارد. تأثیرگذاری پایین‌ترین سطح سلسله‌مراتب لایه انسانی بر وجه کالبدی صرف، می‌تواند پایین‌ترین درجه نشاننداری نظام نشانه‌ای را در پی داشته‌باشد که منجر به احراز هویت در پایین‌ترین درجه که ناشی از تفاوت‌های شکلی بی‌معنا و عامل تمایز با سایر پدیده‌هاست می‌گردد. بر اساس مطالب مطرح شده و مدل تحلیلی می‌توان اینگونه استنباط نمود که هویت در بافت قدیم در گذشته، بیشتر جنبه معنوی و کیفی داشته و در بافت جدید بیشتر جنبه کیفی و کمی دارد.

نتیجه‌گیری

سرمنشأ هویت شهر در گذشته وجود رابطه‌های معنادار در ساختار فرم شهر از طریق تأثیر رمزگان‌های نشاندار حاکم بر لایه‌های هویتی و نمود عینی و ذهنی این روابط به صورت نظامی از نشانه‌های خودی و آشنا و هماهنگ با هویت انسانی و الهی سازندگان شهر بوده است. این حمایت‌گری و ارتباط قوی بین لایه انسانی و مصنوع در بافت قدیم شهرها موجب گشته تا تمامی وجوه و مؤلفه‌های سازنده شهر در یک راستا و در جهت احراز هویت اصیل و آرمانی اهل خویش حرکت کنند. شهرهای معاصر و به ویژه بافت جدید شهرها به محل تقابل و تعارض رمزگان‌های متنوعی بدل گشته که امکان احراز هویتی اصیل و واحد را برای آن با مشکل مواجه نموده است و در صورت همسویی و انسجام این رمزگان‌ها می‌توان این مناطق را به لحاظ هویت سامان بخشید. دوگانگی و گسست معنا و هویت بافت قدیم و جدید یک شهر در طول زمان نشانگر چند عامل اصلی است که به آن‌ها به‌عنوان پاسخ پرسش تحقیق اشاره می‌شود، جدول (۵). ۱- **تغییراتی که در درون لایه‌های متنی فرم شهر اتفاق افتاده است و به هم خوردن ساختار سلسله‌مراتبی جنبه‌های کارکردی ارزشی و اجتماعی فرهنگی.** ۲- **ایجاد گسست و دوگانگی در لایه انسانی** به عنوان عوامل سازنده و ساکنین شهر

است که در گذشته کاملاً بر هم منطبق بوده است. اما در شهرهای معاصر به دلیل تغییراتی که در روند تفکر و سیاست ها صورت گرفت به طور تدریجی این عوامل دچار جدایی و گسست گشتند و برنامه ها و سیاست های مدیران شهری در قالب طرح های توسعه، بخش چشمگیری از روند تغییرات نظام های نشانه ای فرم شهر را به صورت سریع در پی داشت. ۳- عامل دیگر تغییر در نظام رمزگان های موثر بر ساختار فرم شهر است. ورود برخی رمزگان ها از خارج از بافت فرهنگی، اجتماعی و مکانی متن شهر که در دانش شناختی مردم تعریف نشده بود به صورت رمزگان های فضایی و غیر فضایی موجب تغییر در بازنمون های حاصل از تاثیر رمزگان ها بر لایه های متنی گشته است. همانگونه که اشاره شد، جهانی شدن، مدنیزاسیون استاندارد گرای و ... از جمله رمزگان های غیرفضایی بود که نمود خود را در تصمیمات و اندیشه های تصمیم گیرندگان و سازندگان شهر باقی گذاشت و با گسترش وسایل و ابزار ارتباطی به طرق مختلف بر شیوه زیست و ارزش های ساکنین نیز بی تاثیر نبود. علاوه بر این رمزگان های غیرفضایی، برخی عناصر فضایی مانند فرم ها، مصالح، هنرها، تکنولوژی و فناوری و از متونی دیگر به متن شهر ایرانی وارد شد و نظام رمزگان و رابطه لایه های متنی را دگرگون ساخت. در بافت جدید نیز با نظامی جدید از نشانه ها روبرو هستیم که نشان دهنده تغییر در ارزش ها، شیوه زیست و فرهنگ جامعه و همچنین ورود رمزگان های جدید است. هر چند نمی توان با بررسی یک مورد درباره همه شهرها اظهار نظر نمود زیرا هر شهر دارای شرایط و نظام نشانه ای متفاوت می باشد. اما با توجه به یکسان بودن و تشابه عوامل موثر در ظهور نظام نشانه ای توسعه های جدید شهرها در ایران مانند طرح های توسعه، مدرنیزاسیون، ورود اتومبیل و ... و تشابه این محدوده ها در همه شهرها، این موارد تاحدودی بین شهرها مشترکند. بافت جدید شهرها به بستری برای رمزگان های متعدد و متفاوت تبدیل گشته که همسویی و رابطه دوطرفه و حمایتگر در آنها به چشم نمیخورد و این موجب ایجاد هویت های فردی و چندگانه و درحد تمایز با غیر در پایین ترین درجه احراز هویت می گردد. همچنین شاهد توجه بیشتر به بعد ظاهری و عملکردی نشانه ها و کم رنگ شدن بعد معنایی آنها هستیم که نتیجه ای جز هویت کمی و سطحی نخواهد داشت.

جدول (۵). عوامل موثر بر تغییر نظام نشانه ای و مرتبه هویت در توسعه های جدید شهری

عامل موثر بر تغییر نظام نشانه ای	تغییر نظام نشانه ای	مثال در بافت قدیم و جدید
تغییر در رمزگان های موثر بر عوامل انسانی (تغییر سلسله مراتب)	تغییر نقش نشانه ها ظهور نشانه های تقلیدی	تغییر در جهان بینی و ارزش ها گذشته: مسجد به عنوان نشانه شهری (سیطره معنویت) حال: بانک و برج تجاری بعنوان نشانه شهری (اقتصاد و سیطره مادیات)
دوگانگی در لایه انسانی	تغییر شکل نشانه ها نشانه های کاذب حذف نشانه ها	ورود لایه مدیریتی گذشته: بافت انداموار و پریپیچ و خم براساس خصوصیات فرهنگی اقلیمی و ... مرکز محله، بازار عنصر افقی حال: بافت شطرنجی طبق طرح های مدرن و براساس دسترسی اتومبیل، حذف مرکز محله و شکل گیری تقاطع و پارک، تبدیل بازار به پاساژ عنصر عمودی
ورود رمزگان های جدید	حذف نشانه ها تولید نشانه ها نشانه های کاذب	ورود رمزگان دفاع مقدس (درون متنی) (ظهور نشانه های جدید در هنرهای محیطی، تغییر نامگذاری ها و ...) ورود تکنولوژی و فناوری (میان متنی)، حذف نشانه های طبیعی مانند بادگیر، تولید نشانه هایی مانند ساختمان های بلندمرتبه، مصالح خاص، زیرگذرها و ...

منابع

- اکو، امبرتو. (۱۳۸۷). *نشانه شناسی*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: انتشارات ثالث.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۶). *زبان الگو، شهرها*. ترجمه: رضا کربلایی نوری، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- براتی، ناصر. (۱۳۷۳). *توسعه های جدید شهری و شهرهای جدید (هویت جدید یا فقدان هویت)؛ شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی*، وزارت مسکن و شهرسازی، صص ۴۳۴-۴۲۳.
- بور، والتر. (۱۳۷۵). *شهر و مسئله تشخیص*. ترجمه مهرناز مولوی، آبادی، س ۶، ش ۲۲، صص ۳۳-۲۸.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۰). *هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران*. تهران: انتشارات شهر.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۹۱). *تحلیل نشانه شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری و کارکردهای آن (مطالعه موردی محله رستم آباد - فرمانیه)*. نشانه شناسی مکان (مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه شناسی)، تهران: انتشارات سخن.
- چندلر، دانیل. (۱۳۹۴). *مبانی نشانه شناسی*. ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره مهر.
- حمه جانی، یوسف؛ بایزیدی، قادر؛ سحابی، جلیل (۱۳۹۶). *مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه شناسی*. فصلنامه باغ نظر، ۱۴(۵۷): ۲۱-۳۶.
- دانشپور سید عبدالهادی، رضازاده راضیه، سجودی فرزانه، محمدی مریم. (۱۳۹۲). *بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه شناسی لایه‌ای*. نامه معماری و شهرسازی، دوفصلنامه دانشگاه هنر، ۱۱: ۳۳-۵۰.
- ربانی، رسول (۱۳۸۱). *جامعه شناسی شهری*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۳). *نشانه شناسی کاربردی*. ویرایش دوم، نشر سوم، تهران: انتشارات علم.
- شبیخه، اسماعیل. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۳). *درآمدی بر نشانه شناسی هنر*. تهران: انتشارات قصه.
- عباسی، علی. (۱۳۹۱). *تهران: گسست و پیوست معنا*. نشانه شناسی مکان (مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه شناسی)، تهران: انتشارات سخن.
- غفاری، علیرضا. (۱۳۹۵). *تحلیل نشانه شناختی بافت تاریخی کرمان بر پایه ارتباط لایه‌های متن / بافت*. مدیریت شهری، ۴۸: ۴۸-۸۰.
- کالر، جاناتان. (۱۳۹۰). *در جستجوی نشانه‌ها - نشانه شناسی، ادبیات، و اسازی*. ترجمه لیلا صادقی و تینا امرالهی، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
- ماجدی، حمید؛ زرآبادی، زهراسادات سعیده. (۱۳۸۹). *جستاری در نشانه شناسی شهری*، مجله آرمانشهر، ۴: ۲۳-۴۰.
- مامفورد، لوئیس (1381). *فرهنگ شهرها*. ترجمه: عارف اقوامی مقدم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی.
- محمدی، مریم. (۱۳۹۱). *بررسی فرم شهر از منظر نشانه شناسی لایه‌ای (نمونه موردی محله باغ شاطر تهران)*. نشانه شناسی مکان (مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه شناسی)، تهران: انتشارات سخن.

نجومیان، احمد. (۱۳۸۷). تحلیل نشانه شناختی خانه های تاریخی کاشان. مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: شلدرنگ.

نصر، طاهره. (۱۳۹۲). تبیین مؤلفه‌های هویت کالبدی شهر ایرانی. رساله دکترا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

نصر، طاهره؛ ماجدی، حمید. (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. مجله آرمانشهر، ۱۱: ۲۶۹-۲۷۷.

نقره کار، عبدالحمید؛ رئیسی، محمدمنان (۱۳۹۳). درآمدی بر رمز و رمزپردازی در معماری دوران اسلامی. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۱: ۶۸-۹۲.

نقی زاده، محمد. (۱۳۹۳). هویت شهر (مبانی، مولفه ها و جلوه ها). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

واعظی، مهدی؛ علیمردانی، مسعود. (۱۳۹۷). مفهوم هویت و رویکردی فلسفی به هویت و ماهیت شهر. مجله باغ نظر، ۶۲: ۶۱-۴۲.

Danesi, Marcel (2007). **The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice**, Toronto, University of Toronto Press.

Eco, Umberto (1979). **A Theory of Semiotics**, Bloomington, IN: Indiana University Press/London: Macmillan.

Kropf, Karl (1996). **Urban tissue and the character of towns**, Urban Design International journal, 1 (3), 247-263.

Mumford, L (1961). **The City in the History**. New York: Harcourt, Brace and World Inc.

Peirce, Charles Sanders (1931-58). **Collected Writings**, (8 Vols). (Ed. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arthur W Burks). Cambridge, MA: Harvard University Press.

Rappaport, Ames (1994). **Spatial Organization and the Built Environment**, Companion Encyclopedia of Anthropology, Humanity, cultural and Social Life. ED: Time in Gold, Rutledge, New York.

Trancik, R (1984). **Finding lost space**; VRN

Walmsley, D (1988). **Urban Living; The individual in the city**. Longman press.